



حسن خامه یار

«فرجام جنگ» به روایت تحلیلگران صهیونیست

## بالهای شکسته...

حمله ماه ژوئیه گذشته اسرائیل به حزب الله لبنان، بسیاری از تحلیلگران نظامی دنیا را شگفت زده کرد و پیشبینی می شود بسیاری از آراء و تئوریهای نظامی جهان را دگرگون سازد و به صورت مهم ترین بحثهای دانشگاهی و مراکز پژوهشی و علمی دنیا مطرح شود. این جنگ، قدرتهای بزرگ را وادار خواهد کرد در موازنه قدرت در خاورمیانه تجدیدنظر کنند، زیرا حزب الله اسرائیل را با حجم انبوه موشکهای خود و تنوع آنها غافلگیر کرد. آنان هیچگاه باور نمی کردند حزب الله چنین شیوه ای را در جنگ در پیش بگیرد و بتواند بیش از یک ماه در برابر ماشین جنگی اسرائیل بایستد. صهیونیستها علاوه بر شکست در جنگ و تحمل خسارتهای نظامی و سیاسی، در زمینه تغییر مفاهیم نظامی نیز دچار ناکامی دیگری شده اند. یکی از مهم ترین ناکامیهای اسرائیل، تجدید نظر در همه مفاهیم نظامی از جمله بررسی تغییر تئوری امنیتی حکومت و تعدیل اندیشه نظامی و تشکیل کمیته حقیقت یاب است. ناکامی اسرائیل در جنگ در برابر رزمندگان مقاومت اسلامی لبنان، نه تنها فرماندهان نظامی آن رژیم را سردرگم و سرافکنده ساخته که تحلیلگران و ناظران سیاسی و اطلاع رسانی را به اعتراض واداشته است. شاهد یاران به منظور آگاهی خوانندگان گرامی از آنچه که پس از توقف جنگ در مطبوعات رژیم صهیونیستی مطرح شدند، گوشه ای را انتخاب و ترجمه کرده است:

دان حالوتس به روشنی میدانست که روزهای سختی در انتظار اوست و به همین دلیل از همه خانوادههای نظامیان پوزش خواسته است. او میداند که با پایان جنگ، وظیفه دارد به پرسشهای زیادی پاسخ دهد، خود را فریب ندهد و دروغ نگوید. او خوب میداند که افرادی برای او کمین کرده اند و میخواهند او را زیر سؤال ببرند و سمتش را از او بگیرند.

«سیما کدمون» میافزاید، «دوستان حالوتس از آنچه که درباره او میشنوند، بسیار نگران می شوند و نمی دانند برای نجات او چه کاری از دستشان ساخته است. مطبوعات چهره اش را مخدوش کرده اند. قضاوت سریع مردم و رسانه ها از او یک فرمانده نظامی بیعرضه ساخته اند. رویدادهای جنگ ۲۳ روزه، جامعه اسرائیلی را بهت زده کرده است، جامعه اندوهگین است و توانایی هضم نتایج جنگ را ندارد. مردم سرافکنده و سرگردان هستند و کسی را جستجو میکنند تا علت این شکست را توضیح دهد. داستان سهام بورس در زمان مناسب مطرح شد تا این اندیشه را زیانزد مردم کند که ژنرال حالوتس به جای جنگ، سرگرم سر و سامان دادن به دارایی خود بوده است. ناکامیها فراوانند. چه کسی مسئول این همه ناکامی است؟ خوب است که همه اتهامات متوجه یک نفر بشود تا در میدان شهر سر او را از بدن جدا کنیم. دان حالوتس جوابگوست. او گواهی میدهد که رهبری اسرائیل فقط به منافع خود می اندیشد و نماد فساد، بی اخلاقی، خودخواهی و بی شعوری است. سرانجام مشکلات را درک کردیم. از سوی دیگر در برابر شخص نابغه و شایسته ای قرار داریم که ممکن است در آینده نخست وزیر شود، مگر در اسرائیل سابقه ندارد که یک شخص متهم و سابقه دار به مقام نخست وزیر برسد؟»

«سیما کدمون» در ادامه این مقاله به نتایج کمیته تحقیق «کاهان» اشاره میکند. این کمیته در پی کشتار اردوگاههای صبرا و شتیلار در سال ۱۹۸۲ در بیروت تشکیل شد و با اشاره به مشارکت آرنیل شارون در این کشتار، به دولت اسرائیل توصیه کرد به شارون اجازه داده نشود به وزارت جنگ منصوب شود، اما او پس

«سیما کدمون» در مقاله خود می افزاید که حالوتس از عذاب وجدان رنج میبرد، خون جگر می خورد و خود بزرگ بینی و غرور را کنار گذاشته است. اکنون کشور (اسرائیل) فرزندان را میخورد. جامعه اسرائیل، انسانهای قهرمان پرورش می دهد، اما دیگران به یک چشم بر هم زدن به زندگی آنان پایان می دهند و آنگاه اسرائیلیها برای مرگ این قهرمانان افسوس میخورند. حالوتس با همه دوستان خود درباره چگونگی ثروت اندوزی جر و بحث میکند. گویی فرهنگ او با الفبای مادیات شکل گرفته است. من مشخصات مردی را روشن میکنم که زندگی اش با اشتغال در شرکت هواپیمایی مسافری اسرائیل «العال» آغاز شد و حقوق کلانی دریافت میکرد، اما ترجیح داد به ارتش بازگردد تا بتواند به امکانات بیشتری دسترسی پیدا کند. او چگونه انتخاب کرد و چگونه موفق شدن را خوب میشناسد. او در گفت و گو با روزنامه نگاران از آنان گلیله کرد که چرا نوشته اند حالوتس نسبت به سربازان اسپر شده و به قتل رسیده، بی تفاوت و بیشتر در فکر سهام خود در بورس بوده است.

نصیر الله  
سید حسن نصرالله

**بالهای شکسته» عنوان مقاله «سیما کدمون» در ویژه نامه هفتگی روزنامه دیدیعت احروروت مورخ هیجدهم اوت سال ۲۰۰۶ است. او در این مقاله به بررسی سرنوشت ژنرال دان حالوتس، رئیس ستاد مشترک ارتش رژیم صهیونیستی، پس از ناکامی در لبنان پرداخته و اظهار عقیده کرده که او در آینده ای نزدیک قربانی این «شکست مفتضحانه» خواهد شد.**

«بالهای شکسته» عنوان مقاله «سیما کدمون» در ویژه نامه هفتگی روزنامه دیدیعت احروروت مورخ هیجدهم اوت سال ۲۰۰۶ است. او در این مقاله به بررسی سرنوشت ژنرال دان حالوتس، رئیس ستاد مشترک ارتش رژیم صهیونیستی، پس از ناکامی در لبنان پرداخته و اظهار عقیده کرده که او در آینده ای نزدیک قربانی این «شکست مفتضحانه» خواهد شد. «شکست مفتضحانه» در لبنان، واژه مورد علاقه روزنامه نگاران اسرائیل شده است و همواره آن را به کار می گیرند، زیرا از نظر لغت و معنا «میان ناکامی و شکست تفاوت فراوان وجود دارد.

پس از توقف جنگ در لبنان، روزنامه نگاران اسرائیلی، پی در پی، با طرح این پرسشها که «چرا پیروز نشدیم؟» و «با چه بلایی بر سرمان آمده است؟» شکست در لبنان را قطعی جلوه داده اند. روزنامه نگاری مانند دان مرگلیت نمی تواند پوست گردو در دست بگیرد و نامود کند که گردو می خورد! به عبارتی او نمی تواند افکار عمومی را فریب و نتایج جنگ را به نفع خود تغییر دهد. او شاید به علت «عقد کیمود» ی که در طول جنگ ملازم او بوده است، نمی خواهد بپذیرد که اعراب توانایی چیره شدن بر قبیله او را دارند. دان مرگلیت در مقاله ای که در روزنامه معاریو منتشر کرد، به حالوتس دشنام داده است، زیرا حالوتس یک روز پس از به اسارت در آمدن دو سرباز در مرز لبنان، به فروش اوراق بهادار خود در بورس اقدام کرد، در حالی که از وقوع جنگ خبر داشت. پاسخهای او به پرسشهای روزنامه نگاران نشان می دهد که با روحیه انسان شکست خورده و ناکامی که مرتکب خطای فاحش اخلاقی شده است، سخن می گوید. از نظر قانون اوراق بهادار، دان حالوتس مرتکب جرم جنایی نشده است، اما رفتار و کردار او نشان میدهد که تکروی کرده و هماهنگ با سایر فرماندهان ارتش عمل نکرده است. اسرائیلیها در روزهای جنگ درباره او این ضرب المثل را عنوان کردند: «آتش جنگ شعله ور است و مادر بزرگ به آرایشگاه رفته است. رفتار او شایسته خلبان ارشد نیروی هوایی و رئیس ستاد مشترک ارتش اسرائیل نیست و به کلاس درس روابط عمومی نیاز ندارد.»



۱. رهبری سیاسی و فرماندهی نظامی دچار اشتباه شدند و شیوه جنگ تاکتیکی و نه راهبردی را به کار بردند. ارتش در جریان درگیریهای مارون الراس و بنت جبیل مرتکب اشتباهات فاحش شد.

۲. بروز بی اعتمادی میان «اودی آدم» فرمانده منطقه شمالی ارتش با فرماندهی ستاد مشترک و به ویژه با دان حالوتس رئیس ستاد مشترک ارتش.

۳. عدم دسترسی سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی ارتش اسرائیل به اطلاعاتی در مورد سلاح حزب‌الله که یکی از عوامل شکستهای غافلگیرکننده اسرائیل به شمار می‌رفت. توان موشکی حزب‌الله و تکنیک و شیوه‌های رزمی رزمندگان مقاومت و تونلهای زیرزمینی هم از دسترس عوامل جاسوس اسرائیل پنهان مانده بود.

۴. نارسایی و بی تجربگی ارتش اسرائیل در روبرویی با عملیات چریکی، باعث بروز اشتباهات فاحش در میدان جنگ شد. «الیکس ویشمن» در این مقاله اعتراف میکند که ۱۳ درصد تانکهای میرکاواای اسرائیل که وارد میدان جنگ شده بودند، هدف موشکهای ضد رزمندگان مقاومت اسلامی قرار گرفتند.

«الیکس ویشمن» خاطر نشان میسازد که با تشکیل کمیته حقیقت‌یاب، از بسیاری از فرماندهان ارتش بازجویی و اصولاً ارتش کالبدشکافی خواهد شد. فرماندهان ارتش از ترس حسابرسی و سرخوردگی، دست به عصاره می‌روند. تاکنون روشن نیست که کمیته حقیقت‌یاب چه تصمیماتی خواهد گرفت و آیا حکومت ایهود اولمرت و عمیر پرتز با ادامه کار این کمیته و نتایج آن موافق هستند یا نه؟ مخالفت با کار کمیته به سود آنها نیست و شاید بر مبنای معیارهای مرسوم در اسرائیل و ادعاهایی که به کمیته ارائه خواهند کرد، جان سالم به در برند. احتمال می‌رود ادعا کنند که به توصیه‌های ارتش عمل کرده‌اند و علت دیرکرد صدور دستور پیشروی نیروهای زمینی، آمریکا بوده است، اما حکومت اسرائیل با توجیه و جستجوی شخصی که او را قربانی کند، نمیتواند از چنین مشکلاتی جان سالم به در برد، همانگونه که متعاقب اعلام نتیجه کمیته حقیقت‌یاب «اگرانات» پس از جنگ اکتبر سال ۱۹۷۳ و کمیته حقیقت‌یاب «گاهان» پس از حمله سال ۱۹۸۲ به لبنان، نتوانست.

«ژنیف شیف»، تحلیلگر نظامی روزنامه هآرتس، نیز در مقالهای با عنوان «عوامل غافلگیرکننده در جنگ» به بررسی دلایل شکست ارتش رژیم صهیونیستی در جنگ با حزب‌الله پرداخت و تأکید کرد که برخورداری حزب‌الله از موشکهای پیشرفته ضد تانک که توانست تانکهای میرکاوا را از کار ببنداند، برای اسرائیل غیرمنتظره بود. در جنگ اکتبر سال ۱۹۷۳، ارتش اسرائیل ۱۵۰ دستگاه تانک خود را بر اثر برخورد با موشک ساغر از دست داد، اما فرماندهان ارتش تاکنون از جنگ اکتبر عبرت نگرفته‌اند. در جنوب لبنان ۴۶ تانک و ۱۴ خودروی زرهی مورد اصابت قرار گرفتند. تعداد ۱۵ موشک حزب‌الله به تانکهای میرکاواای پیشرفته

در همین حال «الیکس ویشمن»، روزنامه‌نگار دیگر اسرائیلی، در ویژه‌نامه روزنامه پدیعوت احرونوت، دلایل شکست ارتش در جنگ با حزب‌الله را شرح می‌دهد و میگوید که شکاف میان تئوری راهبردی نیروی زمینی و عملکرد سردرگم آن در میدان جنگ بسیار عمیق بوده است. این شکاف در پی اجرای طرح گام به گام ورود ارتش به خاک لبنان آشکار گردید. در حقیقت طرح گام به گام توسط فرماندهی رزمی منطقه شمالی ارتش اسرائیل، تدارک دیده شده و ستاد مشترک ارتش آن را تصویب کرده بود. ارتش اسرائیل دو هفته پیش از عملیات «وعده صادق» حزب‌الله که به اسارت دو نظامی اسرائیلی منجر شد، این طرح را با موفقیت تمرین کرده بود. فرماندهان نظامی اسرائیل اعلام کردند که عملیات زمینی پس از گذشت دو هفته از عملیات بمباران هوایی آغاز می‌شود. هدف از بمباران دو هفته‌ای، فرسایش توان نظامی حزب‌الله است، اما پس از گذشت دو هفته، خواسته ارتش اسرائیل آنگونه که برنامه‌ریزی شده بود، تأمین نشد و اصولاً فرماندهان نظامی طبق نقشه عمل نکردند. در پی این ناکامی، مبادله اتهامات میان فرماندهان نظامی و رهبران سیاسی شدت یافت و رهبری سیاسی نسبت به افزایش میزان تلفات انسانی ابراز نگرانی کرد. به همین دلیل مسئولان سیاسی در زمینه آغاز جنگ زمینی و پیشروی به سوی رودخانه لیتانی سرگردان بودند و جلوگیری از تلفات سنگین، دست ارتش را برای پیشروی بسته و ویشمن می‌افزاید که فرماندهان واحدهای زمینی باتصاویر هوایی که در سال ۲۰۰۲ تهیه شده بود به جنگ رفتند. توپخانه ۱۳۰ هزار گلوله توپ شلیک کرد، اما نتوانست به حزب‌الله آسیبی وارد کند و ادارات اطلاعاتی ارتش و موساد هم اطلاعات دقیقی در اختیار نداشتند. الیکس ویشمن در پاسخ به این سؤال که چرا پیروز نشدیم، به هفت دلیل اشاره می‌کند:

**عدم دسترسی سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی ارتش اسرائیل به اطلاعاتی در مورد سلاح حزب‌الله که یکی از عوامل شکستهای غافلگیرکننده اسرائیل به شمار می‌رفت. توان موشکی حزب‌الله و تکنیک و شیوه‌های رزمی رزمندگان مقاومت و تونلهای زیرزمینی هم از دسترس عوامل جاسوس اسرائیل پنهان مانده بود.**



از گذشت کمتر از ۲۰ سال، به سمت نخست‌وزیری انتخاب شد. اکنون دان حالوتس با تشکیل کمیته بررسی علل شکست در جنگ با حزب‌الله مخالفتی ندارد. این کمیته به دستور عمیر پرتز وزیر جنگ تشکیل، ولی شاحاک ریاست آن را بر عهده دارد. حالوتس از شروع کار این کمیته استقبال می‌کند و معتقد است که نباید رهبری سیاسی اسرائیل را به خاطر تصمیم شتابزده برای آغاز جنگ سرزنش کرد، اما از پاسخگویی به این پرسش که آیا اسرائیل در این جنگ پیروز شده است، خودداری میکند. او در توجیه نتایج جنگ میگوید، «ممکن است در معرکه‌ای پیروز شویم و در جنگی شکست بخوریم و یا بالعکس، اما در نهایت امر هماهنگی میان رهبری سیاسی و فرماندهی نظامی، سرنوشت جنگ را رقم می‌زند. با یک عملیات نظامی نمیتوان سرنوشت جنگ را قطعی کرد. اگر چنین عملیاتی در کار باشد، بی‌تردید، دراز مدت و وحشیانه خواهد بود و ما اصلاً علاقه نداریم در لبنان بمانیم.»

دان حالوتس در پاسخ به پرسش سیما کدمون که آیا اسرائیل از قبل خود را برای این جنگ آماده کرده بود، مکتی طولانی و سپس اقرار میکند که ارتش اسرائیل اصولاً خود را برای حمله به حزب‌الله آماده کرده بود، اما به شورای وزیران قول نداده بود که نیروی هوایی، سرنوشت جنگ را مشخص خواهد کرد. رئیس ستاد مشترک ارتش اسرائیل در پاسخ به علت کشته شدن ۲۳ افسر و سرباز اسرائیلی در آستانه صدور قطعنامه شماره ۱۷۰۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد، به کدمون گفت که هنگام صدور این قطعنامه، ارتش اسرائیل در خاک جنوب لبنان پیشروی کرده بود. در چنین شرایطی نتیجه‌گیری در مورد مرگ ۲۳ نظامی بیهوده است. این فاجعه باید با دقت ریشه‌یابی شود. تصور کنید اگر یک فرمانده بیگفرد در کنار نخست‌وزیر و وزیر جنگ، تصمیمات شتابزده می‌گرفت و ارتش را گرفتار ماجراجویی حساب نشده میکرد با چه عواقب و خیمه‌ی روبرو میشدیم. دان حالوتس در پاسخ به پرسشی درباره میزان آسیب‌پذیری ارتش اسطوره‌های اسرائیل و دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی آن کشور میگوید که ارتش در جبهه جنگ و دستگاه‌های امنیتی در پشت جبهه و جبهه داخلی همه به یک میزان آسیب دیدند و میان آنها بیش از پیش فاصله افتاد. اگر راه حل این نابسامانی را پیدا نکنیم، احساس ناامنی در جامعه اسرائیل افزایش می‌یابد. «سیما کدمون» از گفت‌وگو با دان حالوتس چنین برداشت می‌کند که او سرافکننده و سردرگم است و حیات سیاسی و نظامی او به پایان رسیده است، زیرا در توجیه ناکامی بیسابقه ارتش در روبرویی با حزب‌الله، بخش وسیعی از مناطق مسکونی جنوب بیروت را به شدت بمباران کرده است.

سربازان اسرائیلی.



نفوذ کردند که موجب مرگ ۲۰ سرباز شد. در آستانه برقراری آتش بس، ۱۱ تانک در کمینگاه حزب الله مورد هدف قرار گرفتند.

۵. سربازان ذخیره از کمبود امکانات و مشکلات ترابری رنج می بردند.

۶. بی تجربگی فرماندهی عملیاتی در میدان جنگ  
۷. ضعف آموزش و بی تجربگی سربازان خط شکن  
«ژنیف شیف» افزود که ارتش اسرائیل نه فقط متحمل شکست نظامی شد، بلکه حزب الله، ارتش اسرائیل را در میدان مشت زنی، ضربه فنی کرد. سربازان اسرائیل مانند افرادی بیپوش و سردرگم در سنگرهای خود زمینگیر شده بودند.

از سوی دیگر «نحامیا شتراسلر» یکی دیگر از تحلیلگران روزنامه هآرتص، پس از برقراری آتش بس و صدور قطعنامه ۱۷۰۱ نوشت که دان حالتس موظف است استعفا دهد و به خانه برود و رسوایی فروش سهام در برابر این رسوایی، کوچک و کم ارزش است. حالتس و اولمرت و عمیر پرتز به علت سه روز آخر جنگ که در آن ۲۳ سرباز کشته شدند، باید استعفا دهند. چه میدانیم؟ شاید حالتس استعفا دهد، همانگونه که «اودی آدم» فرمانده منطقه شمالی ارتش استعفا داد و پس از مدتی در زمره تصمیم گیرندگان اصلی قرار گرفت. همه اسرائیلیها میدانند که اسرائیل با بحران رهبری سیاسی مواجه است و شکست در جنگ لبنان سبب شده کینه یهودیان به اعراب افزایش یابد. نظر سنجی روزنامه ییدیوتو احررونوت نشان میدهد که ۷۰ درصد اسرائیلیها با برقراری آتش بس مخالفت کردند. این رقم نشان دهنده قبول شکست است.

اکنون که جنگ تمام شده است، برخی از تحلیلگران شبکه های اطلاع رسانی ماهوارهای اسرائیل می گویند که حکومت ایهود اولمرت میکوشد زخمهای خود را درمان کند و تلاش می کند با لهای شکسته را ببندد تا از این فاجعه سیاسی، اقتصادی و اخلاقی بیرون آید. اسرائیل برای جبران شکست در لبنان به زمین بازی غزه روی آورد تا با بمباران مناطق مسکونی آن پاسخ قانع کننده ای به جامعه اسرائیل بدهد. بمباران مناطق مسکونی غزه در کرانه باختری رود اردن و یا مناطق مسکونی لبنان، اهمیتی برای اسرائیلیها ندارد و بهای میلیونها گلوله و هزاران تن بمب را ساکنان مناطق شمالی اسرائیل می پردازند. سربازان اسرائیلی شرکت کننده در جنگ لبنان، هنوز حرفی نزنده اند. صدای اعتراض شهرک نشینان صهیونیست شمال اسرائیل برای جبران خسارت های جنگی هنوز بلند نشده است. ممکن است به علت یخیل بودن گروههای ارزیابی میزان خسارات وارده به خانه های مسکونی، اشک از چشم برخی از شهرک نشینان شمال جاری شود. به هر حال جار و جنجال درباره مقصر بودن سیاستمداران و فرماندهان ارتش در این جنگ به زودی آغاز خواهد شد. در میان این هیاهو، رسواییهای فراوانی از قبیل دادن رشوه های مالی اولمرت و تساحی هانگی به اطرافیان و مزاحمتهای جنسی حییم رامون وزیر دادگستری مستعفی و موشیه قصاب، رئیس رژیم صهیونیستی فاش خواهند شد. به هر حال پیش بینی میشود که شکست بندی بال شکسته در اسرائیل امکان پذیر نخواهد بود.

«الوف بن» یکی از مفسران روزنامه هآرتص در مقاله های با عنوان «سهل انگاری عمدی»، ۲۰ پرسش را در برابر فرماندهان نظامی

رژیم صهیونیستی مطرح کرده و از آنان خواسته است به این پرسشها پاسخ دهند. این پرسشها عبارتند از:  
۱. چرا و چگونه ایهود اولمرت نخست وزیر در پاسخ به حمله حزب الله و بودن دو سرباز اسرائیلی در نزدیکی مرز لبنان در روز ۱۲ ژوئیه، جنگ علیه لبنان را به راه انداخت؟ او پیش از آن که این موضوع را در دولت مطرح کند تا تصویب شود با چه کسی مشورت کرده بود؟ اولمرت با این اقدام چه منفعالی را در نظر گرفته بود؟

۲. آیا در زمینه انجام گفت و گو برای مبادله دو سرباز ربوده شده اسرائیلی با زندانیانی که در اسرائیل به سر می برند، چنان که سید حسن نصرالله نیز پیشنهاد کرده است که در پایان جنگ، معمولاً این کار صورت میگیرد، اقدام کارشناسی صورت گرفته است؟  
۳. چرا محلی که سید حسن نصرالله در آنجا سخنرانی میکند بمباران نشده است؟

۴. چرا به پرسش شیمون پرتز، معاون اول نخست وزیر در جلسه دولت، مبنی بر این که در مراحل بعدی حمله چه اتفاقی خواهد افتاد، پاسخ قانع کننده ای داده نشد و کسی به آن توجهی نکرد؟

۵. آیا سرلشکر دان حالتس، رئیس ستاد مشترک ارتش، رهبران سیاسی را قانع کرده است که با باز گرداندن دو سرباز ربوده شده، استقرار ارتش اسرائیل در مناطق آزاد شده جنوب لبنان و خلع سلاح حزب الله، اهداف اسرائیل از این جنگ برآورده خواهند

#### نسخه

**اکنون که جنگ تمام شده است، برخی از تحلیلگران شبکه های اطلاع رسانی ماهوارهای اسرائیل می گویند که حکومت ایهود اولمرت می کوشد زخمهای خود را درمان کند و تلاش می کند با لهای شکسته را ببندد تا از این فاجعه سیاسی، اقتصادی و اخلاقی بیرون آید.**

شد؟ آیا هیچ یک از رهبران سیاسی در این زمینه تردید نکرده است؟

۶. آیا ایهود اولمرت، نخست وزیر و عمیر پرتز، وزیر جنگ درباره میزان آمادگی اسرائیل در مقابله با حزب الله و آمادگی یگانهای ذخیره و توانایی سازمانهای غیر نظامی در یاری رساندن به مردم در جبهه داخلی اطلاعات کافی داشتند؟ آیا این زحمت را به خودشان دادند تا پیش از گشودن جبهه جنگ، در این زمینه تحقیقات لازم را انجام بدهند؟ آیا ارتش و فرماندهی جبهه داخلی به رئیس خود درباره عدم آمادگی کامل خود هشدار دادند؟  
۷. چرا در شبی که دو سرباز اسرائیلی ربوده شدند، از سوی فرماندهی منطقه شمالی آماده باش لغو شد؟ در ۱۲ ژوئیه در میان نیروهای مستقر در نزدیکی شهرک یهودی نشین زرعیت چه نقاط ضعف و روزنه هایی وجود داشت که توان مقاومت خود را از دست دادند؟

۸. چرا نیروهای اطلاعات امنیت اسرائیل در پیدا کردن پناهگاه رهبران حزب الله تا کام ماندند تا در نتیجه، همه تلاشها برای هدف قرار دادن آنان با شکست مواجه شود؟

۹. چرا اسرائیل از شلیک موشکهای زمین به دریا توسط حزب الله غافلگیر شد و چرا در این زمینه اطلاعاتی نداشت؟ چرا ناوچه های

را که سیستم های دفاعی آن غیر فعال بوده و در تیررس موشکهای حزب الله قرار داشته است به سواحل لبنان گسیل داشته است؟

۱۰. سازمان اطلاعات و امنیت اسرائیل، از موشکهای پیشرفته ضد زرهی که در اختیار حزب الله قرار دارد چه می دانند؟ آیا نیروی زمینی، توان نظامی خود را آنقدر افزایش داده است که بتواند جلوی پیشرفت نیروهای زرهی دشمن را بگیرد؟

۱۱. نظر سازمان اطلاعات و امنیت درباره استحکامات حزب الله در پشت مرزها چه بوده است و آیا این نظر به موقع به فرماندهی منطقه شمال منتقل شده و نیروها کاملاً توجیه شده اند؟

۱۲. آیا پس از ناکامی در جلوگیری از پرتاب موشک، به نیروی هوایی دستور داده شد تا منازل مسکونی موجود در نزدیکی محل پرتاب موشک را بمباران کند و دهها غیر نظامی لبنانی کشته شوند؟

۱۳. آیا موارد مختلف کشتار غیر نظامیان در لبنان ناشی از انعطاف و نرمی مراکز تصمیم گیری نظامی در زمینه بمباران مناطق مسکونی است؟

۱۴. اسرائیل چگونه وارد یک عملیات نظامی زمینی شد که پیروزی در آن مورد شک و تردید بود؟ چه کسی اقدام به این حمله نظامی و چه کسی آن را تصویب کرد؟ اهداف و مقاصد این حمله که به اطلاع رهبران سیاسی رسید چه بود؟  
۱۵. آیا این موضوع صحیح است که «اودی آدم»، فرمانده منطقه





پس از گذشت چند هفته از جنگ، قریب به یک میلیون لبنانی در جشنواره پیروزی بزرگ، در بخش جنوبی بیروت تجمع کردند. این مراسم به طور زنده توسط شبکه‌های ماهواره‌ای برای یک میلیارد عرب مسلمان و افکار عمومی جهان پخش شد و همه تلویزیونهای جهان در برنامه‌های خبری خود، آن را منعکس کردند. مطبوعات دنیا نیز آن را تیتیر صفحات اول خود قرار دادند. در همین حال نتایج نظر سنجی آقای مینا تسمیح در برابر نخست وزیر قرار گرفت تا آن را مطالعه کند. در این نظر سنجی آمده است که فقط هفت درصد جامعه اسرائیل، اولمرت را برای تصدی پست نخست‌وزیری و فقط یک درصد، عمیر پرتز را مناسب این سمت می‌دانند. در مقابل، مسلمانان و اعراب به طرز بی سابقه سید حسن نصرالله را بر اموح حمایت و تأیید خود نشاندهند.

«آوی ایتسهار» با اشاره به حضور آقای نصرالله در جشن پیروزی و پشت تریبون جشنواره در بخش جنوبی بیروت می‌نویسد که این اقدام، بیانگر شکست قطعی مثلث «اولمرت، پرتز، حالوتس» است. آن سه نفر در نخستین روز جنگ قول دادند که سید حسن نصرالله را از صفحه سیاسی لبنان محو خواهند کرد، اما وضعیت بالعکس شد. نصرالله دیدگاه خود را درباره این مثلث اسرائیلی شکست خورده، به طور واقع بینانه‌ای بیان کرد و چنین گفت، «موشکهای حزب الله ۱۲ هزار قیضه نیست، حزب الله اکنون ۲۰ هزار موشک در اختیار دارد. هرگاه نصرالله تصمیم بگیرد، همه این موشکها آماده شلیک به اسرائیل هستند. هیچ کس نمی‌تواند حزب الله را خلع سلاح کند. هرگاه سید حسن نصرالله اراده کند، همه نیروهای پاسدار صلح سازمان (یونیفل) مستقر در جنوب لبنان به هوا پرتاب می‌شوند. این نیروها با رضایت نصرالله و در چهارچوب منافع او در جنوب لبنان استقرار یافته‌اند و بنابراین هر گاه دبیر کل حزب الله اراده کند، این نیروها با آتش و خون به هوا پرتاب می‌شوند.»

ادعاهای اولمرت و پرتز درباره درگونی بنیادین نقشه سیاسی منطقه، بوج دروغین است و خودشان می‌دانند که به مردم دروغ می‌گویند. ارتش لبنان و نیروهای یونیفل در جنوب لبنان استقرار یافتند، زیرا استقرار آنها با اجازه سید حسن نصرالله بوده است. حکومت اولمرت اعلام کرد برای آزادی دو سرباز اسیر اسرائیلی به جنگ حزب الله می‌رود، اما پس از گذشت ۳۳ روز جنگ و در پی ناکامی ایهود اولمرت، سید حسن نصرالله دوباره همان حرف اول روز به اسارت گرفتن این دو نظامی را تکرار کرد و گفت که این دو اسیر تنها با مذاکره غیر مستقیم و گفت و گو به منظور مبادله دو اسیر اسرائیلی با اسیرانی که نصرالله می‌خواهد، آزاد می‌شوند. مثلث اولمرت، پرتز و حالوتس نیز در این قضیه با شکست سنگین و پر سروصدا مواجه شد. داستان غم انگیز این است که خانواده دو سرباز اسیر اسرائیلی از کشورهای جهان دیدن می‌کنند و در ملاقات با سران آن کشورها، به آنان التماس می‌کنند برای آزادی فرزندانشان کمک کنند.

من از اولمرت می‌پرسم که آیا سران کشورهای جهان توان کمک برای آزادی دو سرباز اسرائیلی را دارند؟ من می‌گویم که باید به نصرالله التماس کرد. هر تلاشی جز این بیپوده است. هنگامی که با خشم و افسوس به جشنواره شگفت آور حزب الله در بیروت خیره می‌شویم، همگی با درد و اندوه قبول می‌کنیم که نصرالله بر حق بوده است. او آدم خودخواه، مغرور و جنجال آفرینی نیست! نصرالله هیچ تعهدی ندارد که عمیر پرتز همواره از او یاد کند، اما پرتز به روشنی می‌داند که نصرالله، آینده سیاسی او را نابود کرده و رؤیاهای او را برای اینکه در آینده اولین نخست وزیر مغربی تبار اسرائیل بشود، از بین برده است. ما باید اعتراف کنیم که نصرالله آدم راستگویی است. ایهود اولمرت که به قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد افتخار می‌کند، قصد دارد شما (اسرائیلیها) را فریب دهد. می‌خواهد فراموش کنید که در این قطعنامه بازگرداندن کشتزارهای شبعاً به لبنان تصریح شده است. باز پسگیری شبعاً تقاضای پیشین لبنان بوده است، اما امروز سازمان ملل متحد از این تقاضا پشتیبانی می‌کند. ■

### آیا در بحثها و گفتگوهایی که پیش از تصمیم به آغاز جنگ و گسترش دامنه آن انجام شدند، تخمین زده میشد که حزب الله بتواند به مدت یک ماه، روزانه ۱۰۰ تا ۲۰۰ موشک را به روستاها و شهرهای شمالی شلیک و ساکنان آنجا را مجبور به رفتن به پناهگاهها کند؟ مقامات اسرائیل درباره مدت تداوم جنگ و آسیبهای احتمالی جبهه خودی چه تصویری داشتند؟

و به خانه بروند، زیرا جنگی که به راه انداختند، از هر نظر ناکام بوده است. وی در این مقاله همچنین درخواست حزب کار برای برکناری عمیر پرتز از سمت وزیر جنگ و اخراج او از رهبری این حزب را منعکس کرد و خواستار اجرای خواسته‌های مردمی شد که دیدگاههای خود را در جریان نظر سنجیها بیان کرده‌اند. «آوی ایتسهار»، روزنامه‌نگار اسرائیلی با چاپ مقاله‌ای در روزنامه هآرتص، از موضع ایهود اولمرت نخست وزیر انتقاد کرد و گفت که او با گفت و گو با رسانه‌ها، خود را پیروز دومین جنگ اسرائیل در لبنان خواند و با این ادعای واهی، بار دیگر مرتکب اشتباهی فاحش شد، زیرا سید حسن نصرالله، دبیر کل حزب الله، با شجاعت در برابر صدها هزار تن از طرفداران و هواداران پر شور خود ایستاد و به ایهود اولمرت و عمیر پرتز، وزیر جنگ ودان حالوتس، رئیس ستاد مشترک ارتش و لفنی وزیر خارجه گفت که او پیروز واقعی این جنگ است.

این روزنامه‌نگار خطاب به شهروندان اسرائیل می‌افزاید، «یک لحظه بیندیشید و به یاد بیاورید که آخرین بار، در چه روزی نخست وزیر شجاعت نشان داد و میان مردم ظاهر شد؟ فکر کنید نخست وزیرتان تا چه اندازه از واقعیتها فاصله دارد. از میان همه نخست وزیران اسرائیل، ایهود اولمرت بیش از همه خودخواه و مغرور است. او با برگزاری کنفرانس خبری ساده میان کارکنان ساده و در یک اتاق ساده زیرزمینی در منطقه الجلیل (شمال فلسطین اشغالی) ادعا کرد که آزادانه پیاده روی می‌کند، در حالی که سید حسن نصرالله در پناهگاه به سر می‌برد!

شمالی، از فرماندهی جنگ، کنار گذاشته و معاون رئیس ستاد ارتش به جای او منصوب شد؟

۱۶. آیا در بحثها و گفتگوهایی که پیش از تصمیم به آغاز جنگ و گسترش دامنه آن انجام شدند، تخمین زده میشد که حزب الله بتواند به مدت یک ماه، روزانه ۱۰۰ تا ۲۰۰ موشک را به روستاها و شهرهای شمالی شلیک و ساکنان آنجا را مجبور به رفتن به پناهگاهها کند؟ مقامات اسرائیل درباره مدت تداوم جنگ و آسیبهای احتمالی جبهه خودی چه تصویری داشتند؟

۱۷. چرا مسئول کمک‌رسانی به ساکنان منطقه شمالی، گزارش کار نداده است؟ چرا برنامه تخلیه مردم به طور منظم و زمان بندی شده انجام نگرفت؟

۱۸. چرا یگانهای ذخیره بدون پشتیبانی لجستیکی کافی به میدان جنگ فرستاده شدند؟ آیا این کمبود به نخست وزیر و رهبران سیاسی گزارش شد و با توجه به این موضوع تصمیم گرفتند از نیروی زمینی استفاده کنند؟

۱۹. نخست وزیر در سخنرانی خود در دانشکده امنیت ملی در اول اوت، بر چه اساسی ادعا کرد که موفقیتهای این جنگ، از پیش تعیین شده نیست؟ در جلسات پرسنل معاون اولمرت که در خلال جنگ تشکیل شد، در زمینه رفتار سیاسی و ملی چه مطالبی مطرح شد؟

۲۰. وقتی شورای امنیت، آتش بس را تصویب کرد، چرا اولمرت و بورتس در روز جمعه گذشته تصمیم گرفتند عملیات زمینی را توسعه دهند که منجر به کشته شدن ۲۳ سرباز شد؟ «رئوبین مدهاستور»، پژوهشگر مسائل راهبردی رژیم صهیونیستی نیز با چاپ مقاله‌ای در روزنامه هآرتص از دان حالوتس پرسید با وجودی که سرویسهای اطلاعاتی و نظامی اسرائیل، اطلاعات وسیعی را درباره حزب الله در اختیار ارتش قرار داده بودند، چگونه ارتش اسرائیل نتوانست حزب الله را شکست دهد؟ علت اینکه ۵۰ رزمنده حزب الله به مدت ۳۰ روز، اولین ارتش خاورمیانه را در شهرک بنت جبیل شکست دادند و به او اجازه ورود به خاک لبنان را ندادند چیست؟

«ایتان هابر»، رئیس دفتر اسحاق رابین، نخست وزیر پیشین اسرائیل، در سرمقاله‌ای در روزنامه پر تیراز یدیعوت احرونوت نوشت که اسرائیل پس از مرگ مناخیم بگین و اسحاق رابین و آریل شارون نخست وزیران پیشین، اکنون یتیم شده و از نداشتن زمامدار و پیشوای توانمندی که بداند باید چه کار کند، رنج می‌برد.

«عاموس کرمئیل»، دبیر سرویس سیاسی مقالات یدیعوت احرونوت نیز از اولمرت و پرتز خواست در اسرع وقت استعفا دهند